

## نوروزتان پیروز و هر روزتان نوروز باد!

پیام نوروزی کمیته مرکزی در شماره ۶۰۵ «نامه مردم» درج خواهد شد

اما کلام و محتوای اصلی گزارش در جایی دیگر است. ایسنا نوشت: «گفتنی است درگیری زمانی آغاز شد که عناصری در محل باد شده علاوه بر اهانت و جسارت علیه یکی از مسئولان عالی‌رتبه نظام، حاضران در میدان را به عکس العمل‌های خشونت بار و ایجاد اغتشاش، تشویب و تحریک می‌کردند.» نگاهی به دو سرمقاله در روزنامه «دوران امروز» و «آفتاب بزد» در روز پنجشنبه ۲۵ اسفند انضجار این نسل «طغیان گر» را بر ضد تاریخ اندیشی حاکم روشن می‌کند. روزنامه «دوران امروز» در واقع این

ادامه در صفحه ۲

## تنفر عمیق جوانان از رهبران رژیم

تحولاتی که در داخل ایران به وجود آمده، هنوز زوایای ناشناخته خود را به طور کامل نمایان نساخته است. یکی از این زوایای ناشناخته وجود نسلی است جوان که حصارهای تنگ کنونی، در واقع تنگناهایی را برای حکومتیان به وجود آورده است. «ایسنا»، چهارشنبه ۲۴ اسفند در گزارشی نوشت: «تجمع و پایکوبی صدها تن از جوانان کرجی در یکی از میادین شهر که به بهانه برپایی مراسم شب چهارشنبه سوری آخر سال انجام گرفته بود، با دخالت عوامل انتظامی به خشونت گرایید. عوامل انتظامی حاضر در محل، به همراه افرادی که لباس فرم به تن نداشتند، با شلکیک گاز اشک آور و استفاده از باتوم، به متفرق نمودن کسانی که در برابر پادگان کرج تجمع کرده بودند و برخی از آنان به پایکوبی می‌پرداختند، اقدام نمودند.»

ضمیمه

# نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۰۴، دوره هشتم  
سال هفدهم، ۱ فروردین ۱۳۸۰

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

### شبه کودتای ارتجاع حاکم بر ضد جنبش مردمی

است که مرتجعان حاکم برای سرکوب خونین جنبش مردمی تدارک دیده اند. حزب توده ایران در هفته های اخیر ضمن هشدارباش های گوناگون نگرانی عمیق خود را از توطئه خطرناک ارتجاع حاکم به رهبری «ولی فقیه» رژیم و نیروهای تاریخ اندیش مدافع سرکوب خونین جنبش اعلام کرده بود. حزب ما در بحثی پیرامون «سخنی درباره انتخابات ریاست جمهوری آینده» ضمن اشاره به این بحث کلیدی که ارتجاع به هیچ وجه نمی تواند حتی فضای محدود و بسته کنونی را نیز تحمل کند، با اشاره به سخنان فاکر، از سخنگویان ارتجاع که گفته بود اگر خاتمی بخواهد به همین شعارها و برنامه ها ادامه دهد بهتر است در انتخابات حضور پیدا نکند، هشدار داده بود که: «به عبارت صریح تر اگر خاتمی حتی بخواهد همین روال را نیز ادامه دهد ارتجاع موافق ادامه کار خاتمی به عنوان ریاست دولت نیست. تنها در صورتی ارتجاع موافق ادامه کار خاتمی به عنوان ریاست جمهوری «نظام» است که او در برابر خواست های ارتجاع کاملاً تسلیم گردد و همچون حکومت منفرود رفسنجانی راه سرکوب جنبش و خواست های مردم را در پیش گیرد.» («نامه مردم»، شماره ۶۰۱، سه شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۷۹).

محسن رضایی، دبیر «مجمع تشخیص مصلحت» نیز در روزهای اخیر اشاره کرده بود که اگر خاتمی با همان شعارهای گذشته بخواهد در انتخابات حضور پیدا کند بهتر است از این کار صرف نظر کند. به گفته رضایی: «چنانچه خاتمی بخواهد همان شعارهای چهار سال گذشته، که صرفاً یک مرحله گذار از شرایط قبلی به شرایط جدید است را تکرار کند، خود سر راه ملت [البته منظور مرتجعان حاکم است] قرار گرفته و ملت ایران او را کنار خواهد زد.» (ایرنا، ۲۵ اسفند ماه ۱۳۷۹).

آنچه امروز ما شاهد آغاز آن هستیم، گام بعدی مرتجعان حاکم برای تعیین تکلیف با نیروهای «خودی» مدافع اصلاحات است. خامنه ای در هفته های اخیر ضمن هشدار به همه مسئولان رژیم از آنها خواسته بود تا مواضع قاطعی در برابر کسانی که او «توطئه گر» و «برانداز» خوانده بود، یعنی همه نیروهای مدافع اصلاحات و ده ها میلیون مخالف ادامه حکومت استبدادی «ولایت فقیه»، اتخاذ کنند. روز یکشنبه گذشته در حالی که خاتمی، در سخنان مسالمت جویانه بی،

ادامه در صفحه ۲

هم میهنان گرامی!  
در آخرین لحظاتی که میلیون ها ایرانی خود را برای جشن نوروز و فرا رسیدن سال نو آماده می کردند، خبرگزاری جمهوری اسلامی خبر داد که «دادگاه انقلاب اسلامی تهران» با انتشار اعلامیه بی، ضمن متهم کردن «نیروهای ملی - مذهبی» به توطئه براندازی، و «هم آوایی با گروههای نفاق و تروریست» نهضت آزادی و کلیه «نیروهای ملی - مذهبی» را غیر قانونی اعلام کرده است. در انتهای این اعلامیه اضافه شده است که این دادگاه «فعالیت ها و اقدامات براندازانه این گروه معدود پس از انجام بازجویی های لازم و تکمیل تحقیقات متعاقباً به اطلاع مردم شریف و مسلمان ایران خواهد رسید...» (به نقل از ایرنا، ۲۸ اسفندماه ۱۳۷۹).

انتشار این خبر و یورش وسیع، در حالی که روزنامه ها، نشریات، مجلس شورای اسلامی و نهادها و نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات در تعطیلات نوروزی بصری برند، توطئه حساب شده بی است برای سرکوب کامل جنبش مردمی و فراهم آوردن زمینه برای مچاله کردن مقاومت اصلاح طلبان حکومتی و وادار کردن آنان به تن دادن کامل به سیاست های ارتجاع و یا برکناری آنان با اتکاء به پیرونده سازی های دروغینی که شکنجه گران رژیم در زندان ها تدارک دیده اند. میلیون ها ایرانی در طول حکومت فقها بدفعات با اینگونه ترندها روبه رو بوده اند. یورش خونین مرتجعان حاکم، در دهه ۱۳۶۰، برای قلع و قمع نیروهای مترقی و مدافع آرمان های انقلاب شکوهمند مردم ایران، از جمله حزب توده ایران، به سردمداری رفسنجانی، خامنه ای، ریشهری، و دیگران، که با زندانی کردن هزاران نفر و سپس اعدام های جمعی به کشتار گروهی از بهترین فرزندان و قهرمانان میهن ما منجر شد، نیز با اعلامیه های «دادستانی انقلاب» درباره کشف «توطئه براندازی» آغاز شد و آنچه بعداً در بیدادگاه های فرمایشی رژیم به عنوان دلایل «انکار ناپذیر» ارائه گردید، چیزی نبود جز «اعترافات» شماری از قربانیان شکنجه های وحشیانه «سربازان گمنام ولی فقیه» که با قامت های درهم شکسته و نیمه جان برای تکمیل شوهای مسموم کننده رژیم به «گناهان ناکرده» اعتراف می کردند. در هفته های اخیر نیز اخبار مشابهی پیرامون شوهای تلویزیونی «اعترافات و اقراریر» شماری از شخصیت های ملی - مذهبی، در شکنجه گاه های رژیم به بیرون درز کرده است و چهره های سیاه کار و مرتجعی همچون شریعتمداری، شکنجه گر معروف و مدیر مسئول روزنامه کیهان، درباره پخش نوارهای تلویزیونی در این زمینه بی شک نشانگر توطئه وسیع و مهلکی

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

## ادامهٔ گفتار عمیق جوانان از سران ...

امر را ناشی از سخت گیری های گذشته نسبت به آداب و سنن ملی ارزیابی کرده و راه حل آن را برخورد معقولانه با این سنن و آداب می داند. اما مقاله «آفتاب یزد» نشان از برخورد واقع بینانه تری نسبت به این مسأله دارد. آفتاب یزد در قسمتی از این مقاله می نویسد: «کسانی که خطرگست نسل ها را به هیچ می انگارند و اضافه شدن این فاصله را نادیده می انگارند، چگونه می توانند از کنار یک ناهنجاری بزرگ که میلیون ها صدا دارد و صدایش تا اعماق اعصاب ها طنین می افکند عبور نمایند. اغراق نیست که همه بزرگترها با بازی باروت و صداهای مهیب مخالفند و شاید پدری یافت نشود که از نهی فرزندان خود بکاهد، پس چرا نسل جوان گوشش بدهکار حرف های بزرگترها نیست؟ چرا امسال صداهای مهیب نارنجک های صوتی هیولگونه بر جانی پیکر خویش افزود و خطرها آفرید و شیشه ها را شکست.» هر دو مقاله در واقع محتوای هشدارگونه ای به حاکمان سرکوب گر را در بر دارد که آنها را به چالشی عظیم درگیری می سازد. به راستی این نمایی کوچک از نسلی است که در جو سراسر خفقان حاکم، از فرصت ها برای به چالش کشاندن رژیم نهایت استفاده را می کند. اما برخورد یک نیروی انقلابی با این پدیده فوق العاده مهم چگونه باید باشد؟ آیا وقت آن نرسیده است که اپوزیسیون مترقی نیز در این باره به ارزیابی عملکرد خود بپردازد؟ مسئولیت یک نیروی انقلابی برای استفاده از چنین موقعیتی چیست؟ عملکرد نیروهای مترقی و طرفداران واقعی اصلاحات در برابر این پتانسیل عظیم چه بوده است؟ راهبری و هدایت این نیروی عظیم به عهده کدامین نیروهاست؟ کدامین نیرو در عرصه سیاسی ایران چه در داخل و چه در خارج قادر به کانالیزه کردن این نیرو به نفع جنبش مردمی است؟ اخیراً نیروهایی که در گذشته با خیانت آشکار به منافع ملی ایران و خدمت به بیگانگان خسارت های جبران ناپذیری را به نسل های گذشته و کنونی وارد کرده، با استفاده از ثروت و چپاول گری های گذشته شان و با حمایت دولت های چپاولگر غربی و آمریکایی در صدد بهره برداری از وضعیت کنونی به نفع خودشان هستند. البته نیروها و جریانات ضد دموکراتیکی نیز هستند که ادعا می کنند در این مورد نقش اصلی را به عهده دارند و یا ایضا خواهند کرد، اما واقعیت های کنونی تهی بودن چنین ادعاهایی را قبلاً به اثبات رسانده است. تاریخ یکصد ساله اخیر ایران، تاریخ مبارزات شکوهمند و سرنوشت ساز آزاد مردان و آزاد زنان دلیری بوده که جایگاهی بسیار والا در تعیین روند تحولات سیاسی و اجتماعی مین ایفا کرده اند. ضمن اینکه تاریخ یکصد ساله اخیر ایران، تاریخ اعدام، شکنجه، حبس، زندان، سر به نیست کردن و به سکوت وادار کردن همان انقلابیون نیز بوده است. در پس هر جنبش مترقی و پیروزی ارزشمند، نیروهای ضد مردمی و فرصت طلب یا فریب توده ها با جنگ زدن به ایریکه قدرت پس از قلع و قمع نیروهای انقلابی به غارت و چپاول ثروت عمومی به نفع خویش و غارت گران بین المللی مبادرت کرده اند. از پس این تاریخ پر فراز و نشیب و سراسر غم انگیز و در ضمن شورانگیز و وظیفه بر نیروی مترقی است که پاسخی در خور برای این سؤال بیابد. هر نیروی انقلابی و طرفدار واقعی توده ها چنانچه توانایی آن را دارد که به راهبری این جنبش همت گذارد باید به این مسئولیت انقلابی خود جامه عمل بپوشاند، اما چنانچه هیچ نیروی انقلابی توانایی چنین مهمی را در خود نمی بیند، موظف است راه های نیل به این هدف را به عنوان یک وظیفه مورد توجه قرار دهد. ضرورت همکاری و اتحاد عمل نیروهای انقلابی و مخصوص نیروهای چپ در همین نکته نهفته است.

## ادامهٔ اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

نیروهای مدافع «نظام» را به پرهیز از تشنج فرا می خواند نیروهای انتظامی و دستگاه قوه قضائیه با تأیید خامنه ای، ضمن رد درخواست او یورش وسیع خود را بر ضد نیروهای ملی و مذهبی آغاز کردند. از دیدگاه مرتجعان حاکم و تاریک اندیشانی که بشدت پایه های حکومت منفورشان را متزلزل می بینند اوضاع آنچهان بحرانی و خطرناک است که اگر جلو روند کنونی را هم اکنون سد نکنند فردا دیر خواهد بود. رهبران رژیم می دانند که ادامه روند اصلاحات پایه های استبداد را همچون موربانه بی خواهد خورد و این امکان تاریخی را ایجاد می کند که جنبش مردمی بتواند با سازماندهی بهتر زمینه های عینی و ذهنی طرد رژیم را در مین ما فراهم آورد.

هم مینان آزاده!

روشن است که اجرای طرح شبه کودتای نوروزی، که هفته ها پیش تنظیم و ابعاد و چگونگی اجرای آن توسط خامنه ای در سخنرانی دانشگاه صنعتی امیر کبیر بروشنی بیان شده بود، در ایران آغاز شده است. ابعاد گوناگون این توطئه نتگین پرونده سازی برای جنبش اصلاح طلبی و مربوط کردن آن به توطئه های «استکبار» برای «براندازی نظام»، نشان دادن سربال های مشمشرکننده تلویزیونی «اعترافات» و «اقراریه» برخی از دستگیر شدگان و سپس حرکت وسیع متکی به نیروی سرکوبگر برای دستگیری های وسیع و درهم کوبیدن کامل جنبش مردمی در مین ماست. بر اساس گزارش های رسیده همچنین در ماه های اخیر در سپاه و نیروهای انتظامی پاکسازی هایی برای خاطر جمع شدن از وضعیت این نیروها انجام شده است. و زندان ها و شکنجه گاه ها خود را برای «پذیرایی از صداتقلاب» آماده کرده اند. همه این اخبار نشانه های جدی توطئه خطرناکی است که ارتجاع حاکم تدارک دیده است. بستن روزنامه ها و نشریات مدافع اصلاحات که هنوز منتشر می شوند، در صورت تن ندادن آنها به خودسانسوری کامل، هجوم برای دستگیری های وسیع تر از میان صفوف جنبش دانشجویی، فعالان کارگری و زنان پیشرو و مترقی، در کنار احتمالاً پرونده سازی برای دستگیری حتی شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، و مسئولان دولت خاتمی بخشی های دیگر توطئه سرکوبی است که رژیم تدارک دیده است. تجربیات گذشته نشان داده است که تسلیم شدن در برابر این خواست ها هزینه بسیار سنگین و دردناکی برای جنبش مردمی به همراه خواهد داشت. نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات، کارگران و زحمتکشان، جوانان، دانشجویان مترقی و آزادی خواه و زنان مبارز مین ما در مجموع خود نیروی عظیم و شکست ناپذیرند که در صورت حرکت منسجم و سازمان یافته می توانند توطئه های ارتجاع را در هم بکوبند. ارتجاع حاکم دو انتخاب قطعی و تاریخی را در برابر مردم و همه نیروهای سیاسی و اجتماعی مین ما قرا داده است. تن دادن به حکومتی از نوع «طلیبان» که در آن مشتی عناصر تاریک اندیش، و ضد منافع مردم، ایران را به سمت تخریب بیشتر می رانند و یا مبارزه برای طرد ارتجاع حاکم و ایجاد زمینه برای تحقق اصلاحات بنیادین، پایدار و دموکراتیک. حزب تودهٔ ایران چهار سال پیش، در پی پیروزی تاریخی رفیراندوم دوم خرداد ۱۳۷۶، بر خلاف خوش بینی های بی اساس و گمراه کننده شماری از اصلاح طلبان حکومتی، اعلام کرد که با ادامه رژیم «ولایت فقیه» نمی توان به آینده اصلاحات خوش بین بود. تجربه چهار سال گذشته بدفعات درستی این بینش حزب ما را به اثبات رسانده است. با اعلام جنگ علنی ارتجاع بر ضد جنبش مردمی و روند اصلاحات تنها راه پیش روی مردم ما مقابله آگاهانه و هوشیارانه با این توطئه هاست. ما بار دیگر به نیروهای «خودی» مدافع اصلاحات تاکید می کنیم که سازش با ارتجاع چیزی جز منجلاب و ننگ تاریخی نیست و گام گذاردن در این راه هم سرنوشت شدن با کسانی همچون رفسنجانی ها، خامنه ای ها، مصباح یزدی ها، جنتی ها و دیگر سران ارتجاع است که دادگاه افکار عمومی مردم مین ما آنان را مدتهاست محکوم و مطرود کرده است.

حوادث چهار سال اخیر مین ما بروشنی نشان داد که توده های مردم دیگر سر سازش با تضییقات قرون وسطایی از جمله بنام «ولایت فقیه» را ندارند. اینک با یورش آشکار و سرتاسری رژیم استبداد به همه مبانی و خاستگاه های ارادهٔ اکثریت مردم مین ما دیگر جز از طریق مقاومت و اعتراض های سازمان یافته و بسیج شده کارگران، زنان، جوانان و دانشجویان نمی توان امیدی به پایان این گونه یورش های نوبتی به حقوق انسانها و پایان استبداد و خود سری ایران بریاد ده رژیم «ولایت فقیه» داشت.

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران  
۲۸ اسفندماه ۱۳۷۹

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.  
1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 604  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

20 March 2001

شمارهٔ فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.V.  
شمارهٔ حساب 790020580  
کد بانک 10050000  
بانک بانک Sparkasse Berlin